

از یادداشتهای سیاسی سید محمد صادق طباطبائی

(۳)

چنانچه اشاره شد مجلس ۱۳ روی مصلحت آنروز کشور با اینکه مورد رضایت مردم نبود بکوشش فروغی افتتاح گردید و اعلی حضرت محمد رضا شاه در پیشگاه مجلس سوگند یاد کردند .

در آن هنگام با ورود نیروی بیگانه از چهار سو بخاک ایران و آغاز شوم جنگ و تخریفات زیادی که در داخله میشد همچنین گرانی اذواق نگرانی زیادی ایجاد گردید . سر بازارها خالی شده بود . افراد وابسته بجزب توده همه جا خود نمائی و هرزه درائی میکردند آنان که عقده های بیست ساله داشتند از هر طرف سرگرم دسیسه و اغتشاش بودند . حتی برای نیروی ژاندارم که مأمور حفاظت راهها و اجراء احکام قضائی و ضابطی دادگستری بود آزادی عمل مطلقاً نبود . چنانچه یک دسته ژاندارم که بدین منظور مأموریت مازندران یافته بود ماهها در قزوین مانده و بالاخره بتهران بازگشتند .

هر هفته چند روز در همین تهران پایتخت کشور مردم ناظر متینکهای شوم شرم آور بوده بانتظام و آرامش ازدست رفته خود متأسف بودند .

کاری که در آن وضعیت اسفناک و موقع حساس بامر شاه و کوشش دولت انجام شد استقرار فرماندهان نظامی و درحقیقت تجدید سازمان ستاد در مرکز و بعضی از استانها بود که آنروز امکان داشت و عامل مؤثر این موفقیت لزوم نگاهداری و حفظ امنیت شاهراه سراسری جنوب و شمال ایران بود برای حمل و نقل و مهمات و کاروانهای سیل آسای کامیون

از امریکا بکشور شوروی که عمده فشار آلمان مهیب آن زمان مخصوصاً درجهه اروپا متوجه آن مملکت بود و دفاعی که شوروی وجب بوجب از مرز و بوم خود میکرد از شکست آمیز ترین حوادث خونین تاریخ میباشد. بویژه مقاومت در استالین گراد و دفاعی که بخانه بخانه از آن شهر مینمودند که موفقیت در آن مرصه هولناک را باید یکی از افتخار آمیز ترین جنگهای تاریخی خواند.

اولین توقف و آغاز شکست پیاپی آلمان خیره سر هیتلری را باید در سنگر استالین گراد جستجو کرد و پایان آنرا اثر بمب اتمی دهشتناک هیروشیما دانست . در چنین اوضاع و احوال شکست آمیز جهان - کشور ایران را هم پل پیروزی لقب دادند زیرا اگر شاهراه سراسری ایران نوره آهن آن نبود تصور امکان رسانیدن مهمات و تجهیزات بدان سنگینی دشوار بود !

اماسهمیه خود ایران در آن اوقات و از آن حوادث گرانی معیشت، تنگی ارزاق، نبودن بهداشت و دوا، هجوم بیماریهای تب راجمه و امراض واگیر شبیه وبا و تیفوئید بود که کمتر از میدان های جنگ کشتار نکرد .

راه چاره هم بدبختانه محدود بشکیبائی و بزدباری بود در این اثنا فروغی هم بیمار و بدرود زندگی گفت. ولی آثار ضعف و شکست در مهاجمین آلمان هیتلری و ایتالیا ظاهر و کنفرانس مهم تهران که از نقاط مختلف جهان مردانی بزرگ و سرانی شایسته و فرماندهانی سترک ، چون استالین، روزولت، چرچیل و افسران دلیر همچین وزراء خارجه باشخصیتی را در کشور ما مجتمع و پادشاه جوان بردبار ما را در آن جمع بدین صفات معرفی کرد همچنین کوشش های ارزنده شادروان علی سهیلی و محمد ساعد در این کنفرانس مهم نوید امید بخشی بود که در اصلاح اوضاع ایران و آینده آن که بیجان مشتاقان آزادی و سر بلندی بود رسید .

و طرح همکاریهای مالی و اقتصادی ممالک متحده امریکا در ترمیم خرابیهای جنگ جهانیگیر در دنیا آغاز شد که سهمی محدود از جنبه مادی و بخشی مهم از جهت معنوی آن مخصوصاً در دفع فتنه آذربایجان نصیب ایران شد. که شرح آن ماجرا خود احتیاج بتدوین کتابی مفصل دارد .

اما در داخله کشور نیروهای اجتماعی متأسفانه هر یک دیگری را بطور حساس خشی میکرد و آنچه ما میخواستیم نیروی ملی واحدی را ایجاد و بر حمایت مصالح عمومی کشور نمایان و مؤثر سازیم کم توفیق ولی در همین حال پر امید بودیم .

حزب توده تشکیلاتی بظاهر تند و جالب افکار عده‌یی از جوانان تازه نفس داشت ولی در اعمال سیاست های افراطی خاص نام ایران زیاد ولی معنی حفظ مصالح آن کم بود . و مخصوصاً بعد از آنکه قوام السلطنه آنها را به همکاری در دولت خود دعوت کرد مفاسد اخلاقی و افراطهای ناصواب آنها بسیار نمودار گشت و بجائی رسید که خود تیشه بریشه خود زدند و پس از محاکمه عناصر افراطی آن تشکیلات حزبی هم غیر قانونی شناخته شد مخصوصاً پندار ها و کردار های پشت پرده آنها رنگ آزادیخواهی و ادعای اصلاح طلبی را یکسره باطل ساخت .

ولی برای اداره يك جامعه غیر مجهز بسلاح دانش و حتی مسلح بعلم رهبران مکتب تربیت اجتماعی آن تنها حزب است و حزب .

ولی متأسفانه این حربه برنده و دواى قاطع مؤثر هم در ایران روی ضمه ایمان مردم و نابکاری مدعیان مستمری و سروری اکثری اثر و گاهگاه ملمبه شیادان گشته بدست‌عنصری نادرست و شیاد . درست برخلاف مصالح واقعی اجتماع بکار رفته است .

چنانچه قوام السلطنه هم بظاهر بترای دفع شر حزب توده و در باطن برای موقیت در انتخابات حزب دموکرات را تأسیس و در پشت آن سپر نابکار یا حزب او در همین تهران و اکثر بلاد ایران کرسی های پارلمان را میان اعوان و کسان خود تقسیم کرد و خواست کاخ زمامداری دائمی خویش را بدان وسیله پی ریزی نماید.

غافل از اینکه . بله حق دولته و للباطل جوله چنانچه همان مجلس خود ساخته بر علیه جناب اشرف !!! قیام کرد و او را از اوج نخوت و جلال موهوم بخصوص بخصیض خواری افکند ...

سید محمد صادق طباطبائی هم در تمام آنروزها هم خود را صرف جمع آوری یاران و همفکران خود ساخت که يك تشکیلات حزبی ملی بدهد و بالاخره حزب ملت را با پرنامه مترقی ولی مناسب باآمال و آرزوی مردم ایران و مصالح آنان تشکیل داد ولی آب و رنگ احزاب احتیاج بروز نامه و تبانیات دوم داشت که آنها برای آزادگان بلند آرزو ولی تهنی دست دشوار بود چنانچه قوام السلطنه کلیه لوازم حزب و تأسیسات و تظاهرات آنرا با فروش جواز و حتی صدور مواد مایحتاج معاش مردم فراهم میساخت . و بوق و کرنای آن

گوش همه را کر کرد. حتی بعد از سقوط حزب دموکرات قلابی باز هم مبالغه‌های
 موجودی دربانگ داشتند غیر از میلیونها پول که پیشوای مظم !!! و نزدیکان مکرر !!!
 و معززشان !!! بچیپ زدند و زمانه هم بمرور زمان همه را فراموش کردند !! و هم اکنون
 هر يك خود را در تقوی از او پس قرن برتر میدانند و با حربه جاسوسی و توشه چاپلوسی
 بر خر مراد سوار و در کوی سعادت بخيال خودشان رهسپارند .

حزب ملت هم موفق شد که جماعتی از صلحا را جمع آوری و برای آغاز انتخابات
 دوره ۱۴ که هنوز مملکت تحت اشغال و آثار شوم جنگ بود اقدامات مؤثر بنماید . تا آن
 پایه که شخص سید محمد صادق برای تشکیل انجمن نظارت دعوت و بریاست آن انتخاب
 گردید و این خود بشارتی برای علاقمندان بود که قدم مؤثری در این راه بردارند چنانچه
 در همین تهران و انتخابات دوره ۱۴ آن عوامل پول و پولوکاری از پیش بر دو نقش پول یعنی تطمیع
 نقش بر آب گشت .

و از سیاستمداران قدیمی خانه نشین ، دکتر محمد مصدق ، سید محمد صادق طباطبائی ،
 حسین پیرنیا مؤتمن الملك ، سید احمد طباطبائی ، سید ابوالقاسم کاشانی ، از نیکوکاران
 سید رضا فیروز آبادی . از آنها که در کار بودند دارو دسته دوستان و کارکنانی هم داشتند
 علی دشتی ، عباس مسعودی ، حسین تهرانی ، رضا تهرانی و در طبقه فرهنگیان و جوانان
 دکتر شفق . دکتر جلال عبده . مهندس فریوربه نمایندگی تهران برگزیده و به مجلس راه
 یافتند) بدینصورت که با کناره گیری مؤتمن الملك نفر سیزدهم بمجلس آمد و سید ابوالقاسم
 کاشانی هم که مخفی بود تا پایان آن دور وارد مجلس نگردید ولی تصویب اعتبارنامه او
 تخفیفی در تعقیب از طرف متفقین داد .

دنباله این مطلب را در شماره بعد مطالعه فرمائید . ضمناً بطوریکه در شماره اول
 وعده داده بودیم اکنون متن قسمنامه و معاهده ای که بامضای سردار سپه ، سلیمان مهرزا
 (محسن) ، اعتماد الاسلام ، سید محمد صادق طباطبائی و سرلشکر خدایارخان رسیده است
 در صفحات بعد گراور می کنیم . قسمنامه بخط مرحوم سید محمد صادق است .

۴- هر چه از این جمله در هر حال بدین قسم دارد بدین است که هر کس که در این
روز مصلحتی کند و در آن وقت که از او کلامی در حقش بماند تا از آن روز پیش از آن
تا آن روز است

۵- هر کس که در این روز در هر حال بدین قسم دارد بدین است که هر کس که در این
روز مصلحتی کند و در آن وقت که از او کلامی در حقش بماند تا از آن روز پیش از آن
تا آن روز است

۸- هر کس که در این روز در هر حال بدین قسم دارد بدین است که هر کس که در این
روز مصلحتی کند و در آن وقت که از او کلامی در حقش بماند تا از آن روز پیش از آن
تا آن روز است

۹- هر کس که در این روز در هر حال بدین قسم دارد بدین است که هر کس که در این
روز مصلحتی کند و در آن وقت که از او کلامی در حقش بماند تا از آن روز پیش از آن
تا آن روز است

۱۰- هر کس که در این روز در هر حال بدین قسم دارد بدین است که هر کس که در این
روز مصلحتی کند و در آن وقت که از او کلامی در حقش بماند تا از آن روز پیش از آن
تا آن روز است

۱۱- هر کس که در این روز در هر حال بدین قسم دارد بدین است که هر کس که در این
روز مصلحتی کند و در آن وقت که از او کلامی در حقش بماند تا از آن روز پیش از آن
تا آن روز است

۱۲- هر کس که در این روز در هر حال بدین قسم دارد بدین است که هر کس که در این
روز مصلحتی کند و در آن وقت که از او کلامی در حقش بماند تا از آن روز پیش از آن
تا آن روز است

و هر کس که در این روز در هر حال بدین قسم دارد بدین است که هر کس که در این
روز مصلحتی کند و در آن وقت که از او کلامی در حقش بماند تا از آن روز پیش از آن
تا آن روز است